

## Explaining superstitious behavior based on attachment styles and anxiety in the students of Bu Ali Sina University

**Robabeh Azarmi.M.A**

Master of Educational Psychology, Faculty of Economics and social sciences, Bu'Ali University of Hamadan, Hamadan, Iran.

**Mehran Farhadi. Ph.D.**

Assistant professor of Psychology, Faculty of Economics and social sciences, Bu'Ali University of Hamadan, Hamadan, Iran.

**Khosro Rashid. Ph.D.**

Assistant professor of Psychology, Faculty of Economics and social sciences, Bu'Ali University of Hamadan, Hamadan, Iran.

**Mosayeb Yarmohamadi Vasel. Ph.D.**

Associate professor of Psychology, Faculty of Economics and social sciences, Bu'Ali University of Hamadan, Hamadan, Iran.

### Abstract

The purpose of This study was the explaining of superstitious behavior based on attachment styles and anxiety. The design of this study was correlational in nature and the statistical population consisted of 12874 students of Bu'ali University based on the statistics of the University of Bu'ali in the academic year of 2016-17. Among this population, 370 of them were selected by multi-stage cluster sampling method using the sample size formula. In this study, we used superstitious behavior (researcher-made 1396) questionnaires, Hazan (1987) attachment styles, and Spielberger's (1970) state-trait anxiety and data was analyzed using Pearson-Product Moment correlation and multiple regression. The results revealed that anxiety can explain the superstitious behavior of the University students. Also attachment styles can explain this behavior. State anxiety cannot predict superstition, but trait anxiety can predict this behavior. Moreover, the avoidance style can predict superstition. The ambivalent attachment style predicts superstitious behavior more than that of the avoidance style. But secure attachment cannot predict this behavior. According to the findings, we can conclude that anxiety, especially trait anxiety, is effective in the creation of superstitious behavior. People with trait anxiety are highly prepared for this behavior. On the other hand, based on the previous research findings, the insecure attachment styles, especially the ambivalent ones, which are closely associated with anxiety, are involved in creating this behavior.

**Keywords:** superstitious behavior, attachment style, trait anxiety, state anxiety

## تبیین رفتار خرافی بر اساس سبک‌های دلبستگی و اضطراب در دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا

ربابه آذر می

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

**مهران فرهادی\***

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

**خسرو رشید**

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

**مسیب یارمحمدی واصل**

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

### چکیده

این پژوهش با هدف تبیین رفتار خرافی بر اساس سبک‌های دلبستگی و اضطراب انجام شد. طرح پژوهش از نوع همبستگی بود و جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه بوعلی در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ که ۱۲۸۷۴ نفر بودند. از این تعداد ۳۷۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه‌های رفتار خرافی (محقق ساخته، ۲۰۱۷) سبک‌های دلبستگی هازان و شیور (Hazan & Shaver, 1987) و اضطراب حالت-صفت اسپیلبرگر (Spielberger, 1970) استفاده و تحلیل داده‌ها با روش رگرسیون چندگانه صورت گرفت. نتایج نشان داد از لحاظ آماری اضطراب می‌تواند رفتار خرافی را در دانشجویان تبیین کند. همچنین سبک‌های دلبستگی قادر به تبیین این رفتار هستند. اضطراب حالت نمی‌تواند رفتار خرافی را پیش‌بینی نماید، اما اضطراب صفت قادر به پیش‌بینی این رفتار است. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی می‌تواند رفتار خرافی را پیش‌بینی کند. سبک دلبستگی دوسوگرا بیشتر از سبک اجتنابی رفتار خرافی را پیش‌بینی می‌نماید. مقدار p برای دلبستگی ایمن ۰/۱۷۱ غیر معنی‌دار به دست آمد، بنابراین دلبستگی ایمن نمی‌تواند این رفتار را پیش‌بینی کند. در مورد یافته‌ها می‌توان گفت اضطراب به‌ویژه اضطراب صفت در ایجاد رفتار خرافی مؤثر است. افراد با اضطراب صفت، آمادگی بالایی برای انجام این رفتار دارند. از سوی دیگر سبک‌های دلبستگی ناایمن به‌خصوص دلبستگی دوسوگرا که بنا به تحقیقات با اضطراب رابطه بالایی دارد در ایجاد این رفتار نقش دارند.

**واژه‌های کلیدی:** رفتار خرافی، سبک‌های دلبستگی، اضطراب حالت - صفت

\*. نویسنده مسئول: Mehran.farhadi@gmail.com

## مقدمه

طرفداران ورزش، هر بار که برای تماشای بازی به ورزشگاه می‌روند تنها در بخش همیشگی و همان صندلی همیشگی می‌نشینند. دلیل نشستن روی صندلی همیشگی این است که فرد معتقد است یک رابطه علی بین نشستن و نتیجه بازی وجود دارد. این به‌کارگیری رفتار خرافی نوعی کنترل مصنوعی روی حوادث آینده است (Wilson, 2011).

درواقع از نظر بتمن (Bateman, 1993) خرافات تلاش برای به دست آوردن کنترل در موقعیت غیرقابل پیش‌بینی است و تلاش برای به دست آوردن کنترل زمانی که کنترل بعید و یا دست‌نیافتنی درک می‌شود، کنترل ثانویه نامیده می‌شود. یک شخص ممکن است این احساس کنترل را از طریق ایجاد انتظارات، معنا دادن به حوادث و یا رفتار خرافی به دست آورد (Ofori et al., 2016).

درحالی‌که در بیشتر موارد از دست دادن کنترل است که منجر به رفتار خرافی می‌شود، اما احتمالاً عوامل استرس‌زای روزمره نیز از طریق همکاری با میل به کنترل منجر به رفتار خرافی می‌شوند (Wilson, 2011). در پژوهش‌ها بیان شده است که درگیر شدن در رفتار خرافی برای کاهش ترس از برخی رویدادهای آینده منحصر به افراد خرافاتی نیست. این رفتار احتمالاً از ویژگی‌های افراد مبتلا به اختلالات اضطرابی هم هست. اختلالات اضطرابی باعث ناراحتی‌های بالینی عمده فردی/یا اختلال در عملکرد اجتماعی و شغلی می‌شود. اضطراب معمول‌ترین پاسخ به محرک تنش‌زا است. منظور از اضطراب هیجانی است ناخوشایند که همه ما درجاتی از آن را در قالب کلمه‌هایی چون دلشوره، نگرانی و ترس تجربه کرده‌ایم (Atkinson, C Atkinson, 2012). محققان دو نوع اضطراب را از هم تفکیک کرده‌اند: اضطراب صفت (trait anxiety) و اضطراب حالت (state anxiety). اضطراب صفت جزئی از شخصیت است که در یک دوره زمانی طولانی وجود دارد و با مشاهده حالت‌های فیزیولوژیکی، هیجانی و رفتاری‌های شناختی در فرد اندازه‌گیری می‌شود. اضطراب حالت در نتیجه یک موقعیت استرس‌زا در فردی که کنترل هیجانانش کاهش یافته است بروز می‌کند (Shives & Isaacs, 2007).

ماهیت اصلی اضطراب با ماهیت رایج رفتار خرافی قابل تمیز هستند. باوجود این اعتقادات خرافی و شناخت‌های اضطرابی به‌صورت موضوعات مشترکی به اشتراک گذاشته

انسان‌ها به دنبال یافتن رابطه علت و معلولی بین امور هستند و به اعتقاداتی گرایش دارند که نمی‌توان آن را به‌صورت علمی ثابت کرد (Futrell, 2011). جامعه ما پر از افرادی است که فرض می‌کنند نتایج قبل از حوادث ایجاد می‌شوند. این افراد در جستجوی مداوم برای دلیل نتایج هستند (Wilson, 2011). شاید (Scheide, 1970) می‌گوید خرافات (superstition) به دلیل دانش ناقص در مورد روابط به وجود می‌آید. روابط علی چیزی است که نمی‌توانیم آن را به‌طور مستقیم درک کنیم و از استنتاج مبتنی بر مجاورت به دست می‌آید، مجاورت در فضا، زمان یا هر دو. تعریف رایج پذیرفته‌شده از خرافات برای انسان "باور، تصور، عمل یا عمل ناشی از جهل و یا یک مفهوم نادرست از علیت است (Govo, 1965). "مردم تمایل دارند بین رفتارها و اتفاقاتی که ارتباطی ندارند علتی فرض کنند"، این تعریفی از رفتار خرافی (superstitious behavior) است که توسط اسکینر (1948) مطرح شده است. وی در آزمایش‌های مربوط به رفتار خرافی با کبوتران استدلال کرد که خرافات در انسان به‌طور مشابه به وجود می‌آید (Skinner, 1948).

انواع گوناگونی از رفتار خرافی وجود دارد که خرافات شخصی (personal superstitions) و خرافات فرهنگی دو نوع از آن هستند. برخی از اعتقادات به‌طور گسترده برگزار می‌شوند و یک میراث اجتماعی از اعتقادات و آموزه‌های بزرگان هستند، اما برخی اعتقادات خصوصی‌اند و از تجربه‌های شخصی ناشی می‌شوند. خرافات شخصی به‌صورت آگاهانه و عمدانه توسط فرد انجام می‌شود و از رویدادهای اتفاقی در محیط و یا به‌صورت خرافه‌های فرهنگی ایجاد می‌شود (Peterson, 1978). خرافات شخصی یا خرافات خودمحور، خرافه‌ای است که افراد از طریق اعمال خود برخی رویدادها را کنترل می‌کنند (Ofori, Tod, 2016). درحالی‌که سیستم منطقی افراد ممکن است از ناموجه بودن یک ارتباط علی بین رفتار خرافی و نتایج مثبت آن اطلاع دهد، اما احتمالاً تجربه و احساس فرد سبب می‌شوند که به چنین رفتارهایی ادامه دهند (Moyer, 2010). انتساب نادرست رفتارهای نامربوط می‌تواند یک نوع خطا یا در اصل یک نتیجه کاذب مثبت باشد (Farley, 2015). برای مثال در بررسی‌ها نشان داده شده که برخی از

می‌شوند، به این معنی که ناتوانی ادراک‌شده در کنترل اضطراب، رویدادها و واکنش‌ها را فرامی‌خواند (Zebb, 2003). رفتارهای کلیشه‌ای ممکن است پاسخ خود به خودی به اضطراب باشد (Lang, Krátký, Shaver, 2015). چنین رفتارهایی شاید در آغاز ساده به نظر برسند، اما تکرار آن شخص را دچار وسواس می‌کند و منجر به یک اختلال می‌شود و شخص کم‌کم حاضر نمی‌شود با هیچ تغییر کوچکی در زندگی معمول و عادی خود کار کند. همواره همه‌چیز را بر روی الگوی بریده‌شده از روزهای قبل می‌اندازد و کمی نمی‌گذرد که تشویش و اضطراب چاشنی این وسواس می‌شود. پس از آن فرد نه تنها برای کنترل شرایط، بلکه برای کاهش اضطراب هم این رفتار را انجام می‌دهد. استفاده از رفتار خرافی برای فرد مضطرب یک مکانیسم مقابله‌ای ناسازگارانه است.

رینک (Reineck, 2002) اظهار کرد ایجاد روان بنه مضطرب به دلیل الگوهای ناکارآمد دلبستگی (attachment) است. وی همچنین می‌گوید دلیل اصلی مسیر رشد افراد به سمت اضطراب، پیشرفت فقدانی است که در دلبستگی‌شان در ارتباط با والدین خود داشته‌اند. بالبی (Bowlby, 1969) پیوند دلبستگی در کودک انسان را یک نیاز اولیه و اساسی می‌داند. به بیان دیگر همه انسان‌ها تحت تأثیر پیوندهای دلبستگی خود قرار دارند، اما اینکه این تأثیرات سالم یا بیماری‌زا باشند، به کیفیت پیوند دلبستگی در یک رابطه خاص وابسته است. بالبی تصریح می‌کند که یک پیوند دلبستگی اختصاصی و قطع نشده با یک شخص خاص، لازمه تحول سالم و غیر مرضی فرد است و تجربه ایمنی در کودک پایه و زیربنای کنش‌وری سالم روانی و ذهنی است (Sarvghad, Rezaei & Irani, 2012). زمانی که والدین حمایت‌گر و قابل اعتماد هستند، دلبستگی ایمن (secure attachment) در کودکان شکل می‌گیرد، اما اگر والدین طردکننده باشند، دلبستگی نایمن (insecure attachment) شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد سبک‌های دلبستگی مشاهده‌شده در دوران کودکی در قوانین و راه‌کارهای مقابله با تنش در بزرگسالی منعکس می‌شود و افراد با دلبستگی نایمن نسبت به افراد با دلبستگی ایمن بیشتر در معرض مشکلات روانی باشند (Mahmoodzade, 2013). در واقع سبک‌های دلبستگی از منابع

درون‌فردی هستند که می‌توانند سطوح تنش و ناتوانی را در شرایط ناگوار تعدیل کنند و اثرات منفی تنش را کم‌رنگ‌تر جلوه دهند. بنا بر نتایج پژوهش‌ها، سبک‌های دلبستگی اهمیت پیش‌بینی‌کننده زیادی در بهداشت روانی دارند (Linley & Joseph, 2004). از طرفی هم رفتار خرافی یک عامل منفی برای سلامت روان است که بررسی آن اهمیت دارد، زیرا درک اهمیت مکانیسم‌های مقابله‌ای ناسازگارانه رفتار خرافی می‌تواند به کاهش اختلالات روانی و افزایش سلامت روانی و جسمانی کمک کند (Futrell, 2011).

از این رو با توجه به اینکه تاکنون رفتار خرافی بر مبنای دیدگاه رفتاری و بر اساس تقویت تصادفی تبیین شده است، هدف پژوهش حاضر تبیین رفتار خرافی بر اساس سبک‌های دلبستگی و اضطراب است. به نظر می‌رسد عامل شخصیتی، به ویژه سبک دلبستگی نقش مهمی در ایجاد این رفتار ایفا کند. طبق بررسی‌های انجام‌شده تاکنون پژوهش داخلی در زمینه رفتار خرافی صورت نگرفته است. همچنین بر اساس بررسی نویسندگان تاکنون رابطه بین رفتار خرافی و سبک‌های دلبستگی و اضطراب را سنجیده نشده است؛ بنابراین در پژوهش حاضر این موضوع بررسی خواهد شد که آیا سبک دلبستگی توانایی پیش‌بینی رفتار خرافی را دارد یا خیر؟ و آیا اضطراب قادر به پیش‌بینی رفتار خرافی هست؟

#### فرضیه پژوهش

۱. تبیین رفتار خرافی بر اساس اضطراب
۲. تبیین رفتار خرافی بر اساس سبک‌های دلبستگی
۳. اضطراب حالت می‌تواند رفتار خرافی را به صورت مثبت پیش‌بینی کند.
۴. اضطراب صفت می‌تواند رفتار خرافی را به صورت مثبت پیش‌بینی کند.
۵. سبک دلبستگی ایمن می‌تواند رفتار خرافی را به صورت منفی پیش‌بینی کند.
۶. سبک دلبستگی نایمن - اجتنابی می‌تواند رفتار خرافی را به صورت مثبت پیش‌بینی کند.
۷. سبک دلبستگی نایمن - دوسوگرا می‌تواند رفتار خرافی را به صورت مثبت پیش‌بینی کند.

## روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: این پژوهش یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، همه دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ بود (N=۱۲۸۷۴). از این میان تعداد ۳۷۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود، به این ترتیب که ابتدا از بین ۱۰ دانشکده دانشگاه بوعلی سینا ۴ انتخاب شد. سپس در مرحله بعد از هر دانشکده به صورت تصادفی ۳ کلاس به عنوان نمونه انتخاب شد. پیش از شروع پاسخ‌دهی به آزمودنی‌ها گفته شد که با دقت توضیحات پرسشنامه را مطالعه کنند و سپس پاسخ‌های خود را علامت‌گذاری نمایند. برخی از پرسشنامه‌ها به دلیل تکمیل نبودن حذف گردید. همچنین تعدادی از پرسشنامه‌ها از طرف دانشجویان برگردانده نشد. در مجموع ۳۷۰ پرسشنامه تکمیل و تحویل داده شد.

## ابزار سنجش

۱- پرسشنامه رفتار خرافی: برای ساخت این پرسشنامه ابتدا مرور گسترده بر منابع و پژوهش‌های پیشین انجام شد و تا حد ممکن مطالب در خصوص این مفهوم مورد بررسی قرار گرفت. برای ۴۰ نفر از دانشجویان توضیحاتی همراه با یک سؤال در مورد رفتارهای خرافی‌شان مطرح شد و بر اساس پاسخ‌های دریافت شده، آن‌هایی که فراوانی بیشتری داشتند به عنوان تعدادی از سؤالات انتخاب شدند. همچنین سؤالات طراحی شده در نمونه دیگری از دانشجویان اجرا شد تا مشخص شود که سؤالات قابل اجرا هستند یا خیر. این پرسشنامه شامل ۲۲ سؤال است و به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای و در دامنه‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه سه عامل رفتار کلیشه‌ای، رفتار و وسیله خوش‌یمن و شانس را می‌سنجد که عامل اول شامل سؤالات ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، عامل دوم شامل سؤالات ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۸، ۲۲ و عامل سوم شامل سؤالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ است. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در نمونه ۵۰ نفری از دانشجویان ۰/۹۰ به دست آمد و ضریب پایایی بازآزمایی آن ۰/۸۲ محاسبه شد. ضریب آلفا برای کل مقیاس پرسشنامه در نمونه ۳۷۰ نفری ۰/۹۲ به دست آمد و ضریب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌های

پرسشنامه به ترتیب: مؤلفه اول ۰/۸۲، مؤلفه دوم ۰/۸۵ و مؤلفه سوم ۰/۸۶ محاسبه شد.

نمونه‌ای از سؤالات پرسشنامه: «بعضی از لباس‌هایم برایم خوش‌یمن است»، «در شرایط نگران‌کننده طبق رویه همیشگی عمل می‌کنم و رفتارهای همیشگی‌ام را انجام می‌دهم».

۲- پرسشنامه سبک‌های دلبستگی: مقیاس سبک دلبستگی بزرگسالان که با استفاده از مواد پرسشنامه دلبستگی هازان و شیور (Hazan & Shaver, 1987) ساخته و در بین دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است (Besharat, 2001)، یک پرسشنامه ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) می‌سنجد. کمینه و بیشینه نمره آزمودنی در خرده مقیاس‌های پرسشنامه به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضریب آلفا در نمونه ۱۴۸۰ نفری (شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ (برای دانشجویان دختر، ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر، ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶) محاسبه شده است که نشانه همسانی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسالان است. ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه شده است.

نمونه‌ای از سؤالات پرسشنامه: «برایم مشکل است به دیگران دلبسته شوم»، «برایم مشکل است به دیگران اعتماد کنم».

۳- پرسشنامه اضطراب حالت- صفت: پرسشنامه اضطراب حالت- صفت (STAI) توسط اسپیلبرگر، گورساج و لوسین (Speilberger, Gorsuch & Lushene, 1970) تدوین و اعتباریابی شده است. این پرسشنامه شامل ۴۰ ماده است و دارای دو مقیاس اضطراب حالت (آشکار) و اضطراب صفت (پنهان) است که از سؤالات ۱ تا ۲۰ اختصاص به اضطراب حالت و از سؤالات ۲۱ تا ۴۰ اختصاص به اضطراب صفت دارد. سؤالات مربوط به اضطراب حالت در طیف لیکرت چهارگزینه‌ای نمره‌گذاری می‌شوند که عبارت‌اند از: به هیچ وجه، گاهی، عموماً، خیلی زیاد و سؤالات مربوط به اضطراب صفت نیز به همان صورت ۴ گزینه‌ای نمره‌گذاری می‌شوند که عبارت‌اند از:

کرونباخ پرسشنامه اضطراب حالت- صفت به ترتیب برای زیر مقیاس اضطراب حالت ۰/۹۱، زیر مقیاس اضطراب صفت ۰/۹۲، مقیاس کل اضطراب ۰/۹۵ به دست آمد. نمونه‌ای از سؤالات پرسشنامه: «احساس آرامش می‌کنم»، «احساس امنیت می‌کنم» و «احساس تنش می‌کنم». به منظور بررسی و تعیین پیش‌بینی‌کنندگی متغیرهای اضطراب و سبک‌های دلبستگی بر رفتار خرافی، داده‌ها با روش رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند.

### یافته

تقریباً هرگز، گاهی اوقات، بیشتر اوقات و تقریباً همیشه. برای نمره‌گذاری پرسشنامه اضطراب حالت - صفت اسپیلبرگر ابتدا به هر عبارت از ۱ تا ۴ نمره تعلق می‌گیرد. برخی سؤالات نیز که نشان‌دهنده عدم وجود اضطراب هستند به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. اسپیلبرگر و همکاران ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس اضطراب حالت را ۰/۹۲ و برای زیرمقیاس اضطراب صفت ۰/۹۰ گزارش کردند. همچنین ضریب آزمون-بازآزمون برای زیرمقیاس اضطراب حالت ۰/۶۲ و برای زیرمقیاس اضطراب صفت ۰/۶۸ به دست آمده است. در پژوهش حاضر آلفای

جدول ۱. نتایج تحلیل رگرسیون رفتار خرافی بر اساس اضطراب و سبک‌های دلبستگی

متغیر	منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	R	R <sup>2</sup>	F	P
اضطراب	رگرسیون	۵۱۲۳/۵۲۶	۲	۲۵۶۱/۷۶۳	۰/۲۲۹	۰/۰۴۷	۹/۸۸۵	۰/۰۰۱
سبک دلبستگی	رگرسیون	۱۰۷۷۷/۶۶۶		۳۵۹۲/۵۵۵	۰/۳۳۱	۰/۱۰۲	۱۴/۸۶۹	۰/۰۰۱

همچنین برای تعیین سهم متغیر سبک‌های دلبستگی در رفتار خرافی، سبک‌های دلبستگی به عنوان متغیر پیش‌بین و رفتار خرافی به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. مدل برای دانشجویان ( $F=۱۴/۸۶۹$ ,  $P\leq ۰/۰۱$ ,  $R^2=۰/۱۰۲$ ) معنی‌دار به دست آمد. سبک‌های دلبستگی به عنوان متغیر پیش‌بین و تعیین‌کننده در دانشجویان ۰/۴۷ از واریانس نمره رفتار خرافی را تبیین می‌کنند.

برای تعیین سهم متغیر اضطراب بر رفتار خرافی، اضطراب به عنوان متغیر پیش‌بین و رفتار خرافی به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. طبق جدول ۱ مدل برای دانشجویان ( $F=۹/۸۸۵$ ,  $P\leq ۰/۰۱$ ,  $R^2=۰/۰۴۷$ ) معنی‌دار به دست آمد. اضطراب به عنوان متغیر پیش‌بین و تعیین‌کننده در دانشجویان ۰/۴۷ از واریانس نمره رفتار خرافی را تبیین می‌کند.

جدول ۲. مدل رگرسیونی اضطراب و سبک‌های دلبستگی

متغیر	B	انحراف استاندارد	Beta	آماره t	سطح معناداری
اضطراب حالت	-۰/۰۵۶	۰/۱۶۲	-۰/۰۳۷	-۰/۳۴۹	۰/۷۲۷
اضطراب صفت	۰/۴۰۴	۰/۱۶۳	۰/۲۶۰	۲/۴۸۳	۰/۰۱۴
دلبستگی ایمن	-۰/۳۷۰	۰/۲۷۰	-۰/۰۶۸	-۱/۳۷۱	۰/۱۷۱
دلبستگی اجتنابی	۰/۴۹۵	۰/۲۳۲	۰/۱۱۲	۲/۱۳۱	۰/۰۳۴
دلبستگی دوسوگرا	۱/۱۶۸	۰/۲۲۸	۰/۲۷۰	۵/۱۲۸	۰/۰۰۱

برای تعیین سهم متغیرهای اضطراب حالت و اضطراب صفت بر روی رفتار خرافی، اضطراب حالت و اضطراب صفت به عنوان متغیرهای پیش‌بین و رفتار خرافی به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. طبق جدول ۲ مدل برای اضطراب حالت دانشجویان ( $P>۰/۰۱$  و بتا،  $-۰/۰۳۷$ ) غیر معنی‌دار به دست آمد؛ بنابراین اضطراب حالت

برای تعیین سهم متغیرهای اضطراب حالت و اضطراب صفت بر روی رفتار خرافی، اضطراب حالت و اضطراب صفت به عنوان متغیرهای پیش‌بین و رفتار خرافی به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. طبق جدول ۲ مدل برای اضطراب حالت دانشجویان ( $P>۰/۰۱$  و بتا،  $-۰/۰۳۷$ ) غیر معنی‌دار به دست آمد؛ بنابراین اضطراب حالت

زندگی بوده و شیوه نگرش، پاسخ‌ها و الگوهای رفتاری فرد را نسبت به مسائل و مشکلات مشخص می‌سازد (Taheri & et al., 2015). به عبارت دیگر دل‌بستگی پیش‌بینی می‌کند که چرا بعضی افراد می‌توانند به صورت ابتکاری از یک راه‌کار به راه‌کار دیگر متوسل شوند درحالی‌که افراد دیگر از شیوه‌های بسیار انعطاف‌ناپذیر سود می‌جویند (Besharat & Shalchi, 2007). رفتار خرافی یکی از شیوه‌های انعطاف‌ناپذیر است که در برخورد با شرایط مختلف بروز می‌کند. می‌توان بیان کرد چون در مواجهه با یک حادثه تندی‌گی‌ها افراد با دل‌بستگی ایمن روش‌های سازش‌یافته‌تر را فعال می‌سازند، کمتر به رفتار خرافی روی می‌آورند. در مقابل افراد با دل‌بستگی ناپایمن به صورت نابهنجار به محیط پیرامونی پاسخ می‌دهند، روش‌های سازمان‌یافته را به کار می‌برند و بیشتر از رفتار خرافی استفاده می‌کنند. به‌طورکلی از آنجاکه افراد دارای سبک‌های دل‌بستگی متفاوت، دارای ویژگی‌های متفاوت هستند، این امر موجب شکل‌گیری رفتار خرافی با درجات مختلف در افراد با سبک‌های دل‌بستگی مختلف می‌شود.

یافته‌ها نشان داد که اضطراب حالت نمی‌تواند رفتار خرافی را در دانشجویان پیش‌بینی کند. یافته مشابه با نتیجه به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر یافت نشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت اضطراب حالت از قرار گرفتن در موقعیت تنش‌زا ناشی می‌شود. در پژوهش‌ها همواره افراد در حالت هیجانی خاصی در سطح خلق مورد بررسی قرار گرفته‌اند درحالی‌که آمادگی خصیصه‌ای آزمودنی‌ها برای تجربه حالت خلقی خاصی نادیده گرفته شده است. اضطراب خصیصه‌ای نقش مهمی در نگه‌داشتن اضطراب حالت دارد، زیرا احتمال بیشتری وجود دارد افراد با اضطراب خصیصه‌ای بالا، خطرهای محیطی را ردیابی کنند و به واکنش در محیط بپردازند (Shahamat Dehsorkh & Salehi Fadardi, 2013)؛ بنابراین این اضطراب خصیصه‌ای است که باعث تمایل افراد به رفتار خرافی می‌شود نه اضطراب حالت. همان‌طور که در یافته‌ها بیان شد اضطراب صفت قادر است رفتار خرافی را در دانشجویان پیش‌بینی نماید. این نتیجه با یافته‌های فیتزل هماهنگ است. در تبیین این نتیجه می‌توان بیان کرد اضطراب صفت، خصیصه خود فرد است و برخلاف اضطراب حالت ربطی به ویژگی‌های موقعیتی که شخص با آن روبه‌روست

نمی‌تواند رفتار خرافی را پیش‌بینی کند. همچنین اضطراب صفت برای دانشجویان ( $P < 0/05$  و بتا،  $0/260$ ) معنی‌دار به دست آمد. بنا به نتیجه، اضطراب صفت می‌تواند رفتار خرافی را به صورت مثبت پیش‌بینی کند.

برای تعیین سهم متغیرهای دل‌بستگی ایمن، دل‌بستگی اجتنابی و دل‌بستگی دوسوگرا بر روی رفتار خرافی، دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و رفتار خرافی به‌عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. طبق جدول مدل برای دل‌بستگی ایمن ( $P > 0/01$  و بتا،  $-0/068$ ) غیر معنی‌دار به دست آمد؛ بنابراین سبک دل‌بستگی ایمن نمی‌تواند رفتار خرافی را پیش‌بینی کند. همچنین دل‌بستگی اجتنابی ( $P < 0/05$  و بتا،  $0/112$ ) معنی‌دار به دست آمد که می‌توان گفت سبک دل‌بستگی اجتنابی می‌تواند رفتار خرافی را به صورت مثبت پیش‌بینی کند. در مدل دل‌بستگی دوسوگرا ( $P \leq 0/01$  و بتا،  $0/270$ ) معنی‌دار به دست آمد. بر اساس نتیجه سبک دل‌بستگی دوسوگرا می‌تواند رفتار خرافی را به صورت مثبت پیش‌بینی کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد اضطراب می‌تواند رفتار خرافی را در دانشجویان تبیین کند. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات لانگ و همکاران (Lang & et al., 2015)، زب و مور (Zebb & Moor, 2003) هماهنگ است. در تبیین این یافته می‌توان گفت رفتار کلیشه‌ای یک پاسخ خود به خودی به اضطراب است. با قرار گرفتن در شرایط فشار روانی اضطراب افزایش یافته و احساس کنترل کاهش می‌یابد. برای مقابله با چنین بی‌ثباتی موجودات تمایل به بازگشت به شرایط بدون فشار دارند و اغلب اعمال تکراری و قابل پیش‌بینی انجام می‌دهند تا تضاد کارایی رفتاری و ادراکی را به حداقل برسانند. برای به حداقل رساندن فشار روانی به رفتارهای کلیشه‌ای روی می‌آورند. با انجام این رفتارها نوعی حس کنترل در آنها ایجاد می‌شود و این احساس کنترل ممکن است باعث کاهش اضطراب شود (Lang & et al., 2015).

بر اساس نتایج سبک دل‌بستگی می‌تواند رفتار خرافی را در دانشجویان تبیین کند. پژوهش مشابهی در این زمینه یافت نشد. در تبیین نتیجه به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر می‌توان گفت سبک دل‌بستگی زمینه‌ساز نحوه برخورد فرد با مسائل

فرضیه اضطراب برای این فرضیه صدق می‌کنند. از طرف دیگر می‌توان گفت افراد با دلبستگی دوسوگرا دارای اعتمادبه‌نفس کمتری نسبت به افراد دیگر هستند. اشخاص مختلف برای افزایش اعتمادبه‌نفس رفتارهایی را انجام می‌دهند. هر رفتار به منزله کوششی است برای رها کردن فرد از احساس حقارت و رسیدن به احساس برتری که در مواردی به حالت‌های جبرانی نامطلوب منتهی می‌شود (Sarvghad & et al, 2012). مثلاً در مواجهه با یک تهدید افراد با اعتمادبه‌نفس بالا روش‌ها و راه‌حل‌های متناسب را به کار می‌برند. افراد با اعتمادبه‌نفس پایین با انجام رفتار جبرانی نامناسب مانند رفتار خرافی سعی می‌کنند اعتمادبه‌نفس خود را حفظ و اندکی آن را افزایش دهند و حس می‌کنند که می‌توانند مؤثر واقع شوند.

بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان پیشنهادهایی برای اقدامات آموزشی و بالینی داشت. کاربرد عملی این پژوهش، تذکر به والدین و مراقبان کودک در ایجاد سبک دلبستگی ایمن در کودکان برای پیشگیری از اضطراب و رفتارهای خرافی است. از آنجاکه تغییر دلبستگی ناایمن بعد از شکل‌گیری آن، به درمان مشکلات ناشی از بی‌کفایتی اولیه کمک می‌کند (Bogels & Brechman, 2006) کاربرد بعدی در واقع پیشگیری ثانویه و غربالگری افراد دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن و اصلاح سبک‌های دلبستگی آنها از طریق روانشناسان و مشاوران است. رفتار خرافی یک روش ناسازگارانه در شرایط تنش‌زا است. با آموزش روش‌های کاهش اضطراب و متناسب با شرایط، می‌توان این روش‌ها را جایگزین رفتارهای نامناسب کرد.

انجام این پژوهش با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. جامعه و نمونه این پژوهش، محدود به دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان بوده و تعمیم نتایج به سایر افراد باید با احتیاط صورت گیرد.

#### منابع

Atkinson, C., Atkinson, Smith, E., Bem, D., Hvkmsa, S. (1983). *Hilgard introduction psychology*. Translated by Brahani & et al, 2012. Roshd Publications: Tehran. [Persian]

Bateman, G. D. (1993). Locus of control of reinforcement and the learning of personal superstitions. Theses, Dissertations, Professional Papers. Paper 4938.

ندارد. این خصیصه می‌تواند بر کارکردهای شناختی افراد و گونه‌ای که موقعیت‌های مختلف را تفسیر می‌کنند، تأثیرگذار باشد. این ویژگی توانایی تحلیل، تصمیم‌گیری و انتخاب رفتار صحیح را کاهش و احتمال رفتارهای ناسازگارانه را افزایش می‌دهد (Moosavian, 2014). در نتیجه با توجه به ویژگی‌های ذکر شده، افراد با اضطراب صفت تفکر غیرمنطقی دارند، علت اتفاقات را به‌طور نامناسب تحلیل و بررسی می‌کنند و نتایج حوادث را به عوامل غیر مرتبط با آن ربط می‌دهند و همین امر باعث می‌شود رفتار خرافی داشته باشند.

طبق یافته‌ها سبک دلبستگی ایمن نمی‌تواند رفتار خرافی را در دانشجویان پیش‌بینی کند. یافته مشابه با نتیجه به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر یافت نشد؛ اما نتایج نشان داد سبک دلبستگی ناایمن - اجتنابی قادر است رفتار خرافی را در دانشجویان به‌صورت مثبت پیش‌بینی نماید. با توجه به اینکه پژوهشی در این زمینه یافت نشد، امکان مقایسه با سایر پژوهش‌ها وجود ندارد. در تبیین این نتیجه ابتدا دو توضیح بیان می‌شود. توضیح اول: افراد با دلبستگی اجتنابی از ورود به موقعیت‌های تنش‌زا و رویدادهای نامشخص اجتناب می‌کنند. این اجتناب‌گری به افراد این امکان را می‌دهد که با کنارگیری از موقعیت تعارضی از قدرت‌سازشی برخوردار باشند. تأثیر متقابل این خصیصه به‌صورت کاهش تنش در موقعیت‌های تنیدگی‌زا است (Naebi-Nyia, Salari & Modarres, 2011). توضیح دوم: گرچه رفتار خرافی به‌منظور پیش‌بینی نتایج مثبت انجام می‌شود اما اغلب با دفع یا اجتناب از رویدادهای منفی در ارتباط است (Zeb & Moor, 2003). بنا به توضیحات بالا می‌توان گفت افراد با سبک دلبستگی اجتنابی برای کاهش اثرات برخی از رویدادها درگیر رفتار خرافی می‌شوند. احتمالاً نوع رفتار خرافی آنها این‌گونه است که به رویه همیشگی عمل می‌کنند و رفتار متفاوت یا راه‌کاری تازه برای شرایطی که در آن قرار گرفته‌اند انجام نمی‌دهند.

همچنین یافته‌ها نشان داد سبک دلبستگی ناایمن - دوسوگرا می‌تواند رفتار خرافی را به‌صورت مثبت پیش‌بینی کند. در این زمینه پژوهشی یافت نشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به اینکه رابطه نخستین مراقب می‌تواند به‌عنوان منبع حمایت یا استرس در سال‌های بعدی باشد، دلبستگی دوسوگرا که در کودکی به وجود آمده علت اضطراب بوده و به بزرگسالی تعمیم می‌یابد؛ بنابراین تبیین

- Bögels, S. M., & Brechman-Toussaint, M. L. (2006). Family issues in child anxiety: Attachment, family functioning, parental rearing and beliefs. *Clinical psychology review*, 26(7), 834-856.
- Besharat, M., Shalchi, B. (2007). Attachment styles and Coping with stress. *Journal Iranian psychologists*, (11), 225-235. [Persian]
- Farley, A. A. (2015). A Qualitative Analysis of Superstitious Behavior and Performance: How it Starts, Why it Works, and How it Works. WWU Masters Thesis Collection. Paper 408.
- Futrell, B. (2011). A Closer Look at the Relationship Between Superstitious Behaviors and Trait Anxiety. *Rollins Undergraduate Research Journal*, 5(2), 5.
- Gove, P. B. (1965). Webster's... seventh new collegiate dictionary... based on Webster's third new international dictionary.
- Hasani, J., Sheikhan, R., Aryanakia, A., Mahmoodzade, A. (2013). Adolescents Social Anxiety: the role of attachment styles and cognitive emotion regulation strategies. *Journal Developmental psychology*, (36), 363-376. [Persian]
- Lang, M., Krátký, J., Shaver, J. H., Jerotijević, D., & Xygalatas, D. (2015). Effects of anxiety on spontaneous ritualized behavior. *Current Biology*, 25(14), 1892-1897.
- Linley, P.A. Joseph, P. (2004). Positive change following trauma and adversity: A review. *Journal of traumatic stress*, 17(1), 11-21.
- Moosavian, E. (2014). Examining the role of trait anxiety in the recognition of emotional expressions on faces. *Journal Thought and Behavior*, (31), 46-73.
- Moyer, R. M. (2010). Maintaining self-integrity through superstitious behavior. Florida Atlantic University. [Persian]
- Naebi-Nyia, A., Salari, P., & Modarres Gharavi, M. (2011). Studying the relationship between adult attachment style to parents with stress, anxiety and depression. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 13(50), 194-202. [Persian]
- Ofori, P. K., Tod, D., & Lavalley, D. (2016). An exploratory investigation of superstitious behaviours, coping, control strategies, and personal control in Ghanaian and British student-athletes. *International Journal of Sport and Exercise Psychology*, 1-17.
- Peterson, C. (1978). Locus of control and belief in self-oriented superstitions. *The Journal of Social Psychology*, 105(2), 305-306.
- Reineck, M.A. (2002). suicide as an attachment behavior center for cognitive therapy. P.58-114
- Sarvghad, S., Rezaei, A., Irani, F. (2012). Relationship of attachment style and personality traits to anxiety. *Journal Sociology of womans*, (2), 117-136. [Persian]
- Shahamat Dehsorkh, F., Salehi Fadardi, J. (2013). Attentional Bias in State and Trait Anxiety: A Dot-Probe Study. *Journal of Modern Psychological Research*, (29), 181-194. [Persian]
- Shives, L. Isaacs, A. (2007). Psychiatric mental health nursing. P. 40-58.
- Skinner, B.F., (1948). Superstition in the pigeon. *J. Exp. Psychol.* 38, 168-172.
- Taheri, M., Alipour, M., Almardani Someeh, S., Chayari Ilkhchi, S., Zarei, I & Arshi, B. (2015). Relationship between Attachment Styles and Avoidant Coping Strategies in Mothers of Children with Hearing Impairment. *Journal of child mental health*, 2 (1), 89-97. [Persian]
- Wilson, S. M. (2011). The Relationship between Superstitious Behaviors of Sports Fans, Team Identification, Team Location, and Game Outcome. Masters Theses Specialist Projects. Paper 1056.
- Zebb, B. J., & Moore, M. C. (2003). Superstitiousness and perceived anxiety control as predictors of psychological distress. *Journal of anxiety disorders*, 17(1), 115-130.